

معرفی کتاب

# نخستین اندیشه‌های شیعی، تعالیم امام محمدباقر (ع)

○ حامد الگار

○ مترجم: نادر خبازی دولت آباد

○ نخستین اندیشه‌های شیعی، تعالیم امام محمدباقر(ع)

○ ارزینا لالانی

○ ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای

○ انتشارات فرزانه روز، ۱۳۸۱ ش

اشاره:

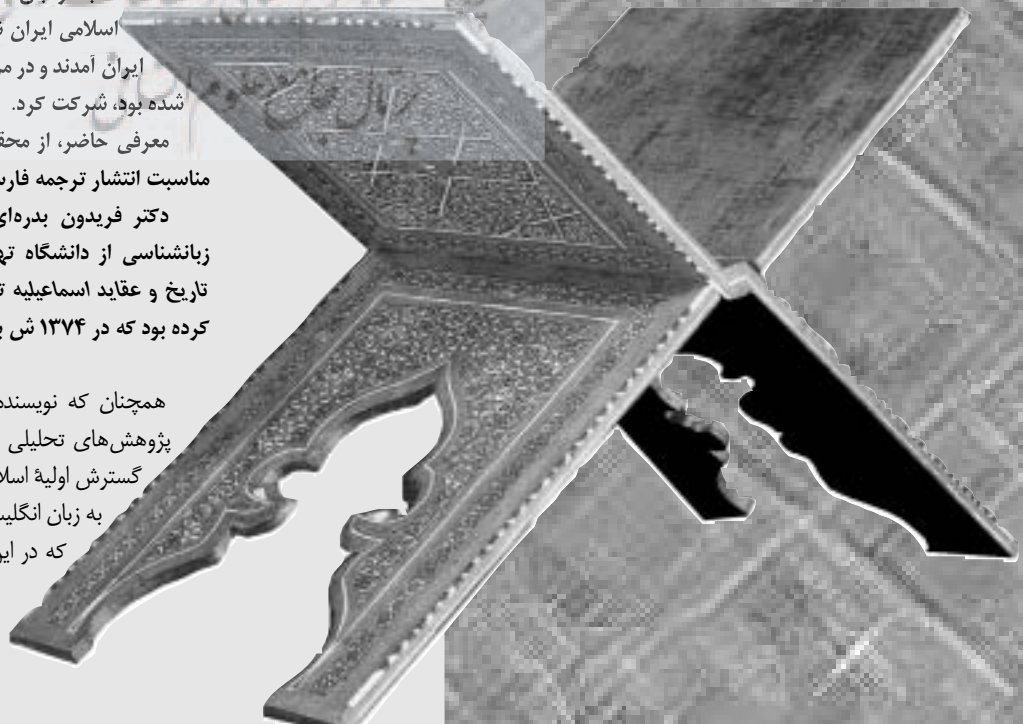
امام محمدباقر(ع) یکی از برجسته‌ترین دانشمندان عصر خود و در تاریخ ادوار نخستین اسلام بسیار پرنفوذ بود. کتاب حاضر، نخستین توصیف نظام‌مند از زندگی، کارها و تعلیمات این کواکب درخشان تاریخ اولیه اسلام است و برای علاقه‌مندان به مطالعات مربوط به حقوق، تاریخ، الهیات اسلامی و نیز شیعیان امروزی بسیار سودمند است.

- نویسنده این اثر، خانم دکتر ارزینا لالانی پژوهشگری است که درباره قرون نخستین اسلامی شیعی تحقیق می‌کند. او به تدریس آثار مربوط به حدیث در دانشگاه کمبریج اشتغال داشت و اکنون در مؤسسه مطالعات اسماعیلی، لندن، به تحقیق مشغول است. خانم لالانی از دانشگاه ادینبورگ درجه دکتری دریافت کرده است. متن انگلیسی این کتاب در آبان ۱۳۸۱ برنده جایزه کتاب ولایت سال جمهوری اسلامی ایران شد و خانم لالانی برای دریافت جایزه خود به ایران آمدند و در مراسمی که به این مناسبت در شهر یزد برگزار شده بود، شرکت کرد.

معرفی حاضر، از محقق اسلام‌شناس معاصر، دکتر حامد الگار، به مناسبت انتشار ترجمه فارسی کتاب، در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. دکتر فریدون بدره‌ای مترجم این اثر است. وی دارای دکترای زیان‌شناسی از دانشگاه تهران، است. دکتر بدره‌ای پیش از این کتاب تاریخ و عقاید اسماعیلیه تألیف دکتر فرهاد دفتری را به فارسی ترجمه کرده بود که در ۱۳۷۴ ش برنده جایزه کتاب سال شد.

\*\*\*

همچنان که نویسنده به درستی در مقدمه اشاره می‌کند تاکنون پژوهش‌های تحلیلی و پایه‌ای کمی به صورت کتاب درباره رشد و گسترش اولیه اسلام شیعی، به عنوان یک نظام عقیدتی و فقهی، به زبان انگلیسی یا هر زبان دیگر صورت گرفته است. آثاری که در این موضوع کم و بیش به ذهن خطور می‌کنند





مشاور نزدیک [یعنی ابوبکر] بسیار غریب و غیرمعمول تلقی می‌شد (ص ۲۱). اما این ادعای کاملاً قابل قبول این پرسش را برمی‌انگیزد که چگونه جانشینی ابوبکر - حتی اگر نتیجه گزینش پیامبر نبود - در یک جامعه قبیله‌ای به صورت گسترده‌ای با استقبال روبه‌رو شد؟ ممکن است این پرسش پاسخی داشته باشد ولی دکتر لالانی آن را عرضه نمی‌دارد.

فصل سوم به جنبه‌هایی از زندگانی و سیره امام محمدباقر(ع) اختصاص دارد. تازگی و اصالت کتاب

بیشتر به این دلیل است که نوشته‌ای تک نگارانه درباره امام محمدباقر است و معلوم نیست که چرا نویسنده به جای نوشتن روایتی کامل تر و یکپارچه‌تر از زندگی امام، به بحثی کوتاه و اجمالی درباره چهارموضوع - لقب و جانشین وی، رقیبانش، رابطه‌اش بازید، و اختلاف بر سر تاریخ درگذشت وی - مبادرت می‌کند. با وجود این، این برداشت بریده و مقطع حداقل دو نتیجه را آشکار می‌کند. علی‌رغم تردیدهای کسانی چون مونتگمری وات، امام باقر(ع) پیروان و یاران زیادی داشت (ص ۴۴) و نیز برخلاف نظر محققان و اندیشمندان تشیع اثنا عشری زیدبن علی به جد مدعی امامت برای خود بود (ص ۴۵).

چهار فصل باقی مانده کتاب محتوای اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. نخست نویسنده به گونه‌ای مشروح آیات و احادیثی را که امام محمدباقر(ع) درباره اشاره داشتن به امامت و حقوق امام علی(ع) تفسیر کردند به بحث می‌گذارد (فصل چهارم) در این زمینه او با اشاره به حرف «واو» در عبارت «و هم راکعون» بخشی از آیه ۵۵ سوره ۵، بیان می‌دارد که این «واو» یا جالیه اثنت که در این صورت جمله را باید چنین معنی کرد «هنگام رکوع کردن»، یا «واو» عطف که در این صورت باید «و آنهاپی که رکوع می‌کنند» ترجمه کرد (ص ۵۸-۵۹). این اظهار نظر جالب توجه به نظر می‌رسد، نه تنها به دلیل این که مؤلف امکان اول را برمی‌گزیند که مورد اتفاق نظر شیعیان است، بلکه به دلیل قرائت «واو» به عنوان «واو» عطف که در غیاب حرف تعریف قبل از راکعون نادیده گرفته شده است. آن گاه تنها سؤال و مسئله تفسیری شناسایی فرد (یا افرادی) است که در حالت سجود زکات می‌دهند. تنها یک استثنا برای شفافیت کلی تفسیر دکتر لالانی در بحث از دو نور، که ائمه به ارث می‌برند، وجود دارد: نورالله که آنان در مقام وارثان پیامبر (اوصیا) آن را به ارث می‌برند و نورمحمد که برای آنان نه از طریق محمد (ص) بلکه از پدرشان علی بن ابی‌طالب(ع) منتقل می‌شود. در واقع نور دوم نیز از پیامبر به ارث برده می‌شود و قبل از اینکه برای انتقال به صلب عبدالله پدر پیامبر(ص) و ابوطالب پدر امام علی(ع) منشعب شود، در صلب عبدالمطلب قرار گرفته است. با این همه معلوم نیست چرا نوری که به حق و دقیقاً از پیامبر منتقل نشده است، به جای اینکه به نام اصلی خود نامگذاری شود. به نام

عبارت‌اند از سرآغازها و رشد اولیه اسلام شیعی از س، ه. م. جعفری (بیروت ۱۹۷۹)؛ [این کتاب نیز به فارسی ترجمه و توسط انتشارات امیر کبیر به چاپ رسیده است] رهبری الهی در تشیع از م.ع. امیرمعزی (نیویورک ۱۹۹۴)؛ و جانشینی حضرت محمد از ویلفرد مادلونگ (کمبریج ۱۹۹۷). [که به فارسی ترجمه و توسط آستان قدس رضوی منتشر شده است] از این رو پژوهش دکتر لالانی درباره امام محمدباقر(ع) (متوفی بین ۷۳۲-۱۱۴ و ۷۴۳/۱۲۶)، پنجمین امام شیعیان اثنا عشری، افزوده‌ای بجا بر پیکره نحیف مأخذ و منابع این موضوع است.

لقب الباقر (به طور کامل باقرالعلوم) که به احتمال زیاد در دوران حیات وی و بنا بر برخی احادیث نقل شده، توسط پیامبر به امام اعطا شده است، به معنای «شکافنده علم» است. از این رو امام محمدباقر(ع) بنیانگذار مکتب رسمی اسلام شیعی به شمار می‌آید که اجدادش از علی بن ابیطالب به این سو پایه‌گذاری کرده‌اند. سهم وی در نظریه امامت، تعالیمش درباره مسائل مختلف کلامی که در سراسر جامعه اسلامی مورد بحث بود و توضیحات روشنگرانه‌اش درباره موضوعات فقهی، زمینه را برای دستاوردهای روشن و قطعی پسر و جانشینش امام جعفر صادق(ع) فراهم کرد. اغلب پدر و پسر، به حق، به دلیل داشتن نقش مکمل در تطور اسلام شیعی، «الصادقین» نامیده می‌شوند. دوران امامت امام محمدباقر(ع) یکی از دوران‌های آشفته در طول حرکت شیعی بود؛ زیرا شاهد فعالیت شاخه‌های مختلف کیسانیه، جنبش نوظهور حامی مدعیات نفس الزکیه، نخستین نشانه‌های بلندپروازی‌های برادر ناتنی‌اش زید بن علی، رقابت میان فرزندان شاخه‌های حسنی و حسینی و تحریفات غلات بود. با اینکه همه این پدیده‌ها به دوران امام جعفر صادق منتقل شد اما دست کم در عرصه نظری امام محمدباقر حدمعینی را با تأکید بر نص (انتصاب گواهی شده و نوشته شده یک امام توسط سلف‌اش) و همچنین در اختیار داشتن علم موروثی خاص، به عنوان مشخصه تعیین کننده امام، به جای خروج علیه خلیفه زمان قرار داد. قابل ذکر است که سنت اسماعیلی نیز همانند سنت اثنا عشری، امام محمدباقر(ع) را تکریم می‌کند و دکتر لالانی را نیز باید به سبب یاری گرفتن از آثار اسماعیلی، به ویژه دعائم الاسلام قاضی نعمان، در مستند کردن میراث وی ستود.

در نخستین فصل کتاب زمینه تاریخی به گونه‌ای با بازاندیشی و بازنگری منابع اصلی معتبر، طرح شده است. فصل دوم درباره اندیشه امامت پیش از امام محمدباقر است که آن نیز با وجود فشرده بودن تازه است. نویسنده با پیروی از اظهارنظرهای مادلونگ در اثر مهمش جانشینی حضرت محمد ص ۱۶-۱۷ اظهار می‌دارد که جانشینی در جامعه قبیله‌ای به گونه هنجارین بر پایه خویشاوندی دودمانی بود و انتخاب



محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) وجود دارد که در آن منحرفان عقیدتی ستایش شده‌اند و نیز احادیثی که پیروان وفادار ائمه را محکوم می‌کند. به نظر می‌رسد درباره این احادیث دو امکان متمایز وجود داشته باشد: یا این احادیث را غلات برای ایجاد آشفتگی در جامعه شیعی جعل کرده‌اند، یا خود امام، از راه تقیه، برای محافظت از پیروان مورد اعتماد خود در برابر خطر شناسایی آنان، گفته است (ر.ک: معارف، ص ۳۸۷-۳۸۹).

در فصل هفتم با عنوان «سهم امام در فقه شیعه» دکتر لالانی ترجیح می‌دهد، به جای پرداختن به یک نظر اجمالی روشنمند، برخی از موضوعات مجزا را برای بحث و بررسی انتخاب کند. در مورد موضوع نظافت پاها در وضو گرفتن، وی آیه ۵:۶ را می‌آورد که شیعیان آخرین کلمه عبارت «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ» یعنی «پاها را در حالت مجرور می‌خوانند که حرف اضافه «ب» را بر آن عامل می‌دانند (ص ۱۲۱). بدون تردید، تفسیر علامه طباطبایی که آرْجُلِكُمْ را مورد نقد قرار می‌دهد که قرائت‌های متفاوتی از آن توسط مفسرین سنی صورت گرفته است، مستلزم جدایی مفعول از فعل است، فعل أَعْسَلُوا که بر مفعول [پاها] عامل می‌شود، با ظرافت سبک‌شناختی قرآن ناسازگار است (المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران، ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۳، ج ۵، ص ۲۳۸-۲۳۹).

هرچند ممکن نیست بر روی نسخه‌های چاپ شده قرآن در ایران - که نویسنده پنج نسخه متفاوت از آن را در اختیار دارد - اجماع کامل شیعی درباره این موضوع وجود داشته باشد و عموماً قرائت آرْجُلِكُمْ را دارند نه اَرْجُلِكُمْ. بدون شک اگر نویسنده‌ای را به دلیل قبول نکردن وظیفه‌ای غیر از وظیفه اصلی و اساسی خویش مورد انتقاد قرار دهیم مغرضانه خواهد بود. اهمیت و ابتکار دکتر لالانی موجب می‌شود که آرزو کنیم تا وی از هر فرصتی برای تبدیل این اثر از صورت تز به صورت کتاب قابل چاپ برای روشن کردن برخی از جزئیاتی که خود آنها را مطرح کرده است، استفاده کند. به هر تقدیر همه دانشجویان مسلمان شیعه برای خلق این اثر از وی سپاسگزارند و مشتاقانه منتظر نوشته‌های بیشتری از وی در زمینه مطالعات شیعی خواهند بود.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. برگرفته شده از: Journal of Islamic Studies, Volume 13, No. I, Jan. 2002. pp 59-62.
۲. نخستین اندیشه‌های شیعی: تعلیم امام محمد باقر(ع)، ارزینا. لالانی، لندن، B. I. تئوریس. Tauris، با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی، ۲۰۰۰ م.

پیامبر نامیده شده است. در این باره دکتر لالانی نظر اوری رابین<sup>۲</sup> را یادآور می‌شود که نور محمد نه از طریق اجداد عربش - فرزندان اسماعیل - بلکه از طریق پیامبران یهودی - مسیحی بنی اسرائیل - که این نور را از اسماعیل از طریق اسحاق دریافت کرده بودند، منتقل می‌شود. با وجود این، نتیجه‌گیری نهایی وی درباره موضوع این است که «نظریه نورمحمد به عنوان نور نبوت پیامبر و ائمه» از نیاکان عرب ایشان منتقل می‌شود.

فصل پنجم (تنها در ده صفحه) به صورت خلاصه نظریات امام باقر(ع) را درباره برخی از مسائل کلامی به بحث می‌گذارد. باوجود این در نشان دادن ارتباط بین علم، عمل و ایمان، در تعلیمات امام محمد باقر - بسیار سودمند است. او همچنین نظر امیر معزی را که تعلیمات امام محمدباقر(ع) را اساساً غامض و پرکنایه معرفی کرده است، سؤال برانگیز می‌خواند. (رهبری الهی در تشیع اولیه، ص ۶۴).

فصل ششم با همان اختصار فصل پنجم، نقش امام محمدباقر(ع) را در مقام محدث بررسی می‌کند. فقدان بحث مفصل در این فصل باعث تأسف است. احادیثی که در کتب حدیث از امام محمدباقر(ع) نقل شده است بیشتر از هر شخصیت دیگر است مگر فرزندش امام جعفر صادق(ع) (کسی که به هر تقدیر پنداشته می‌شود، ممکن است احادیث زیادی درباره نفوذ و صلاحیت امام محمدباقر نقل کرده باشد).

دکتر لالانی در این فصل کوتاه با عنوان «امام باقر در حوزه‌های اهل حدیث»، کنجکاوانه نفوذ امام را در بیرون از [حوزه] پیروان شیعی بلاواسطه‌اش یادآوری می‌کند (ص ۹۶). یادآوری اینکه ایشان نیز همانند سایر ائمه اهل بیت حداکثر نفوذ خود را در بین حوزه‌های مستعد جامعه اسلامی به کار بست، بسیار ارزشمند است. با وجود این تعداد احادیثی که از ایشان در کتاب‌های سنی روایت شده است، به هر دلیل، بسیار کمتر است. همچنین نقل قول قاضی نعمان که امام محمدباقر(ع) را محدثی برجسته معرفی می‌کند، قابل تأمل است (ص ۱۰۵). هرچند محوریّت موضوع بررسی نقش امام باقر(ع) به عنوان محدث حدیث اثنا عشری است، دکتر لالانی در اینجا مطالبی بیشتر از اسامی راویان احادیث، که به صورت جغرافیایی و منطقه‌ای گروه‌بندی شده‌اند، می‌آورد (ص ۱۰۷-۱۱۳). این مطلب به نویسنده امکان می‌دهد تا فراتر از لیست اسامی راویان حدیث، درباره اشکال نقل حدیث توسط امام محمدباقر(ع) و زمان و مکانی که حدیث نقل شده است، بحث کند. چنین بحثی در اثر جامع مجید معارف (باعنوان پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه) آمده است (تهران، ۱۳۷۴ ش / ۱۹۹۵ م، ص ۱۵۱-۱۹۵). همچنین دکتر لالانی مسئله تأثیر تقیه بر حدیث را بیشتر قابل توجه می‌داند. این موضوع باعث کشمکش با غلات شد و در آن زمان درخور توجه شایانی بود. احادیثی از امام